

مرثیه سرایی در شعر فارسی و عربی با نگرشی بر مرثیه شعر احمد وائلی از نظر سبک و محتوا

احلام یارعلی زاده*

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۲

رحیم انصاری پور**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۸

چکیده

رثاء در شعر احمد وائلی به غایت برجسته است، و ایشان توانسته است از نظر سبک و محتوا به قله‌های این سبک دست یابد. او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود و معتقد بود شاعر متعهد باید پیام رسان و راهنما باشد و همانطور که منبر رسالت دارد شعر نیز دارای نقش و رسالت است. وی نه تنها به بیان دشواری‌ها و چالش‌های موجود در جامعه اسلامی می‌پردازد بلکه مردم را به بصیرت، آگاهی، پایداری و مبارزه علیه استبداد و استعمار نیز فرا می‌خواند. اصالت اسلامی - شیعه و پرهیز از غرب‌گرایی و تفرقه، مشخصه آشکار اندیشه وائلی است. بکارگیری ساختارهای خطابی استوار، توجه به مسائل فکری، اعتقادی، نیازها و خواسته‌های کنونی مسلمانان از جمله ویژگی‌های بارز شعر دینی او است. می‌توان در نمونه‌های شعری ایشان نوآوری و ابداع را به وضوح مشاهده کرد. وائلی یک شاعر متعهد به تمام معنا بود. شعر نزد وائلی جنبه تفریح و ذوق و دوست داشتن نداشت بلکه او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود و شاعر متعهد باید پیام‌رسان و راهنما باشد.

کلیدواژگان: مرثیه، شاعر متعهد، اهل بیت(ع)، وائلی، پایداری.

* گروه زبان و ادبیات عرب، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

مقدمه

وائلی یکی از شاعران معاصر شیعی عراق در عرصه شعر دینی است؛ وی در این گونه شعری، توانسته است میان فضیلت‌های اهل بیت(ع) و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر روزگار خویش، پیوندی استوار برقرار کند. رثاء در شعر عربی به بیان شرایط روحی، ابراز تحسّر و ناراحتی بر مرده، گریه بر فضایل و مناقب وی برای به تصویر کشیدن احساسات درونی او در برابر مرگ، اطلاق می‌شود. برخی از ناقدان فرقی بین مدح و رثا قائل نشده‌اند جز اینکه اولی را ذکر فضایل زنده و دومی را در شمارش فضایل مرده انگاشته‌اند. شعر دینی وی، بیان‌گر عاطفه نیرومند، اعتقاد قوی و عزم راسخ شاعر در کوشش برای رسیدن به هدف‌های ارزشمند بوده و همراه با خردورزی و اعتدال است. وی نه تنها به بیان دشواری‌ها و چالش‌های موجود در جامعه اسلامی می‌پردازد بلکه مردم را به بصیرت، آگاهی، پایداری و مبارزه علیه استبداد و استعمار نیز فرا می‌خواند.

اصالت اسلامی - شیعی و پرهیز از غرب‌گرایی و تفرقه، مشخصه آشکار اندیشه وائل‌ی است. بکارگیری ساختارهای خطابی استوار، توجه به مسائل فکری، اعتقادی، نیازها و خواسته‌های کنونی مسلمانان از جمله ویژگی‌های بارز شعر دینی او است.

شاید بارزترین دعوت به رثاء را امام شهیدمان در واپسین لحظات عمر پربرکت‌شان انجام داده باشند. آنجا که فرمودند:

شیعتی مَهْمَا شَرِبْتُمْ مَاءَ عَذْبٍ فَادْكُرُونِي

أَوْ سَمِعْتُمْ بِهِ غَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَانذِبُونِي

اکثر آثار شیخ وائل‌ی در رثای اهل بیت سروده شده است اما چنین نیست که مضامین بلند شعری او به همین محدوده ختم شود. شعر وائل‌ی ابزاری است برای بیان افکار اجتماعی و سیاسی و فرهنگی. شاید بتوان او را یک مصلح اجتماعی به حساب آورد. مرد اصلاح طلبی که گاه در خطابه و گاه در اشعار خویش از اندیشه‌های اصلاحی خود سخن می‌گوید. حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی در تحولات شعر دینی عرب داشته است. به عنوان مثال سرکوب سیاسی مردم عراق موجب گردید تا مرثیه حسینی از شعر حزن آلود و بکائی به شعری بدل گردد که منادی انقلاب بوده و از خلال توصیف نهضت / امام حسین(ع) به قیام بر ضد ظلم فراخواند(الموسوی، ۱۴۱۶: ۵۱۰).

شعر نزد *وائلی* جنبه تفریح و ذوق و دوست داشتن نداشت بلکه او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود، و معتقد بود شاعر متعهد باید پیام‌رسان و راهنما باشد و همانطور که منبر، رسالت دارد. شعر نیز دارای نقش و رسالت است و شعر هدف است و نه وسیله گدائی. وی به وسیله شعر بر بسیاری از جریان‌ات و امور سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و قصائد زیادی در امور سیاسی دارد که موفق شده است، با خواسته‌های مردم همراهی کند و با حکومت‌های پی در پی عراق مقابله نماید (الطریحی، ۱۴۱۶:۳۴۴).

وائلی در روزگاری زندگی می‌کرد که سرزمین‌اش از استبداد و استعمار رنج می‌برد و گرایش به فرهنگ غربی، سکه رایج اوضاع فرهنگی آن کشور به شمار می‌آمد. از این رو بر آن بود تا با بهره‌گیری از منبرهای حسینی و شعر دینی، مردم را به سوی بیداری، پایداری و ارزش‌های دینی رهنمون نماید. وی هیچ‌گاه، تسلیم تهدید و تطمیع حاکمان ستم‌گر عراق نشد و بارها از سوی آنان، زندانی و تبعید گردید؛ اصالت اسلامی - شیعی و پرهیز از غرب‌گرایی و تفرقه، توجه به نقش زنان در عرصه‌های دینی - اجتماعی از مشخصه‌های آشکار اندیشه *وائلی* بود؛ وی دانشمند و ادیبی مردم‌گرا بود؛ برای وجدان و فرهنگ آن سامان می‌گفت و می‌سرود. پیروی از آموزه‌های اهل بیت (ع) او را به مانند برخی از شاعران کلاسیک شیعه، در خط اول مبارزه با ستم قرار داده بود. از این رو نام و روش او همواره در اندیشه مردم عراق و برخی از سرزمین‌های اسلامی، ماندگار شده است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

وائلی یک شاعر متعهد به تمام معنا بود. با وجود اینکه شعر، شغل اول او نبود و به آن اندازه که خطیب بود به عنوان شاعر شناخته نمی‌شود اما در کنار تأثیرگذاری در خطبه‌های حسینی، به سرودن شعر به اسلوب شاعران نجف نیز پرداخته است و به این خاطر، بعضی از شعرهایش در میان توده‌های ملت شهرت یافت، و بهترین ابیات‌اش در میان خوانندگان ادب و دوستداران شعر رواج یافت. بر هیچ کس پوشیده نیست که در سبک رثاء دینی برکات عظیمی نهفته است و از جانب ایشان پاداش غیر قابل وصفی برای آن تعیین شده است. / *مام صادق (ع)* در این باره می‌فرماید: «من قال فینا بیت شعر

بنی الله تعالی له بیتا فی الجنة» (هر کس یک بیت شعر در مورد ما اهل بیت بگوید، خداوند متعال در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند) (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۹۷).
در سیره اهل بیت شاعران همیشه مورد تکریم ایشان بوده‌اند و دید ماورائی به منشأ شاعرانگی آن‌ها شده است. زراره نقل می‌کند که کمیت بن زید بر امام جعفر صادق (ع) وارد شده‌اند و شعری را برای ایشان سرودند. آنگاه که فارغ شدند/مام (ع) به کمیت فرمود: «همیشه و تا زمانی که در مورد ما شعر می‌سرای می‌شود به روح القدس باشید» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۱۷).

بیان مسأله

برشمرن خصلت‌های نیکو و صفات عالی انسان بعد از مرگ که از آن به عنوان رثاء یاد می‌شود، در تمام دوره‌های تاریخ یکی از مهم‌ترین اغراض شعری در میان شعرا بوده، و کم‌تر شاعری می‌توان یافت که در این مجال، لب به سخن پرداز می‌نگشوده باشد. رثاء بیانی است شعری، انسانی، عاطفی که هم‌سان با موضوع مدح است با این تفاوت که نوع عاطفه، صدق و میزان آن در هنر رثاء مشهودتر است. این فن در بردارنده مفاهیمی چون نوحه سرایی، گریستن بر متوفی با عبارات و تعبیری حزن آلود و ریزش فراوان اشک است، همچنان که ستایش انسان از دست‌رفته و ذکر فضایل اخلاقی او را نیز به دنبال دارد. اکثر شعراء در این فن با استفاده از تعبیر مثلی و حکمی سعی در کم کردن مصیبت وارده و صبر و تحمل بر آن دارند. ادبیات عرب در طول تاریخ شخصیت‌های برجسته و شاعران زیادی را به خود دیده است که در آفاق ادبیات عرب نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند یکی از شخصیت‌های به نام در دوران معاصر که شیفته اهل بیت بود، شیخ احمد وائلی است که با اشعار ناب و خالصانه خود عشق خود را به ائمه اطهار و اهل بیت نشان داد.

وائلی با گونه‌ها و اغراض مختلف شعر آشنایی داشته اما رثاء از اصلی‌ترین اغراض شعری او به شمار می‌رود، و این هنر شعری نزد او درنگی زیبا و تأمل برانگیز است که در آن از عقلی وارسته و عاطفه‌ای عمیق و خیالی وسیع تشکیل می‌شود که با آن سعی دارد افکار را به تصویر کشد و حقایق را برجسته سازد، و در این میان گاه به تقلید از شعرای

نامدار پیشین پرداخت و زمانی هم گوی سبقت را از شاعران پیش از خود ربوده و دست به نوآوری و ابداع زده است. رثاء در شعر *وائلی* به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. رثاء دینی که شاعر در آن زیباترین قصائد خود را به رثای رسول اکرم اختصاص داده است، و خصلت‌های نیکو و صفات پسندیده ایشان را به شکلی جدید و همراه با حکمت و پیام‌های اخلاقی به تصویر کشیده است.

۲. رثای دوستان که شاعر در آن با عاطفه راستین و صادقانه خویش بر دوست مرحوم‌اش می‌گرید و قصائد خود را با تعبیری کنایی درباره دنیا و مرگ می‌آراید.

۳. رثای همسر که به نوعی ابداع شاعر به حساب می‌آید، نهایت وفاداری و اخلاص را نسبت به همسر خود بیان می‌دارد و تا اندازه‌ای تغزل با همسر را در قالب زبان و تصویر نشان داده است، به گونه‌ای که در آن وحدت موضوع با وحدت عاطفه قرین گشته و نسبت به دیوان‌های دیگر شاعران متمایز ساخته است.

۴. رثای شهرها که وجه تمایز آن با دیگر انواع رثاء این است که محدود به شخص، خانواده و یا قبیله‌ای نیست بلکه مصیبتی بزرگ است که همه مردم را در بر می‌گیرد به‌ویژه زمانی که مصیبت وارده بر شهرهای مقدسی چون بغداد باشد.

مرور ادبیات و سوابق مربوط

درباره اولین مرثیه سرایی در ایران پیش از اسلام اطلاع چندانی در دست نیست ولی قرآینی نشان می‌دهد که مرثیه سرایی در ایران باستان رواج داشته است. «رثای مرزکو» یکی از نمونه‌های شناخته‌شده این قبیله مرآئی است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶).

در دوره اسلامی ظاهراً قدیمی‌ترین مرثیه موجود شعر *ابوالینبغی* درباره ویرانی سمرقند است (همان). مرثیه سرایی یکی از موضوعات مهم در ادب فارسی و عربی است، کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که بدان توجه نکرده باشد، *خاقانی* در سوگ فرزند خویش می‌گوید:

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشاید ژاله صبحدم از نرگس تر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۵۸)

راه نفسم بسته شد از آه جگر تاب کو هم نفسی تا نفسی رانم از این باب

(همان: ۵۶)

نظر به اینکه شیخ احمد وائلی به عنوان یک شاعر برجسته شیعی شناخته شده است، بر این اساس اهل پژوهش و تحقیق، مقالات و رساله‌هایی در مورد شخصیت حقیقی و ادبی او نوشته‌اند. لازم به ذکر است که با وجود چنین شخصیت والای او، مقالات نگاشته‌شده درباره ایشان بسیار اندک است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «شیخ الدكتور احمد الوائلی؛ حیاة و همومه من خلال أشعاره» این مقاله توسط عبدالمطلب محمود سلمان در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه المثنی نوشته شده است. نویسنده این مقاله سعی کرده است تا با بررسی اشعار شاعر به شخصیت او پی برده و روحیات شاعر را از طریق دیوان او مورد بررسی قرار دهد. لذا با مراجعه به دیوان شاعر، قصائدی را که در مدت زمان سکونت‌اش در نجف اشرف بوده و زمانی که بار سفر را به مکان دیگر می‌بندد، مورد تحلیل قرار داده است.

- «سیمای اصحاب کساء در آئینه اشعار شیخ احمد وائلی» این مقاله توسط احمد پاشا زانوس در تابستان ۱۳۹۲ نوشته شده است و در مجله علمی پژوهشی لسان المبین به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله با بررسی دیوان احمد وائلی به این نتیجه رسیده است که شاعر با سبکی نافذ، محکم و قوی و با بهره گرفتن از سادگی و با استفاده از براهین منطقی متخذ از قرآن و حدیث همواره به دفاع از اهل بیت معصوم پرداخته است. اما تا کنون پژوهشی در مورد قصائدی که شاعر منحصرأ به رثاء اختصاص داده است، چه در ایران و چه در جهان عرب، صورت نپذیرفته است. به این ترتیب در این مقاله سعی شده است تا مهم‌ترین شاخصه‌های مرثیه‌های این شاعر بزرگ دینی چه از نظر محتوایی و چه از نظر فرم و زبانی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

زندگینامه

احمد بن شیخ حسون بن شیخ سعید بن شیخ حمود اللیثی الوائلی در سال ۱۳۷۴ق/ ۱۹۲۸ م در نجف اشرف به دنیا آمد، و بیش‌تر عمر شریف خود را در این شهر مقدس گذراند.

در تمامی مطالبی که در مورد زندگی شیخ احمد وائلی نوشته شده است چیزی در مورد کودکی ایشان وجود ندارد، البته او در قصاید خود گاه از کودکی شیرین و به یادماندنی خود سخن می گوید که از مجموع آن می توان نتیجه گرفت کودکی آرام و راحتی داشته، و تصویر این دوران آرام و بی دغدغه تا مدت ها در ذهن او باقی مانده است (وائلی، ۱۹۹۸: ۹۳-۹۴).

پدر ایشان شیخ حسون الوائلی بود که در سال ۱۹۶۳م وفات یافت، و والده ایشان مرحومه الحاجه بیبی دختر شیخ جواد بن محمد حسین بن شیخ علی زینی النجفی بود (غانم نجیب: ۵۷). انتخاب نام احمد به خاطر تقارن ولادت او با سالروز ولادت پیامبر مکرم اسلام بود. خانواده وائلی از خانواده های عربی اصیل در عراق است و برخی از افراد آن به شجاعت و شهامت معروف اند؛ و علاوه بر این برخی از شخصیت های علمی و ادبی بسیاری در آن ظهور یافتند که از جمله آنان می توان به /براهیم وائلی و دکتر فیصل وائلی و دیگران اشاره کرد. خانواده او به خانواده آل حرج معروف بود، و اگرچه مثل خانواده های بزرگ علمی نجف آل مظفر، آل بحر العلوم و آل کاشف الغطاء زیاد مشهور نبود ولی علم و معرفتی که این علامه بزرگ کسب کرد خانواده اش را بلندآوازه ساخت (الطریحی: ۱۴۱۶: ۱۲).

پدر شیخ احمد تاجر حبوبات بود، و بیش تر عمرش را در شهر ابی صخیر گذراند و این مربوط به زمانی است که هنوز به خدمت منبر در نیامده بود. شیخ وائلی درباره او چنین می گوید: «پدرم خطیب گمنامی بود و چون در سن میانسالی وارد این عرصه شد مطالعات اندکی در مورد خطابه داشت. او در ابتدا به فروش ادویه و خرما مشغول بود و هر چند وقت یک بار به حیره می رفت، و مقداری ادویه می خرید و در مغازه اش می گذاشت و به تدریج می فروخت. وضع مالی ما خوب بود. همسر عمه ام شیخ محمد علی قسام به عنوان خطیبی انقلابی شناخته می شود چرا که در جریان مبارزات علیه استعمار شجاعت بسیار از خود نشان داد. او پدرم را راضی کرد که شغل خود را رها کند و خطیب شود. پدرم فروشندگی را رها کرد و به منبر و خطابه روی آورد. پدرم حافظه خوبی داشت و عاشق تاریخ بود. او به شنیدن مصیبت های سید الشهدا علاقه مند و همیشه در حال حفظ کردن خطبه های امیر المؤمنین (ع) بود. به دو لهجه محلی و فصیح شعر می گفت و

تعداد قابل توجهی از قصیده‌های او هم اکنون نزد من است». پدر ایشان معروف نبود و زیاد منبر نمی‌رفت. زیرا در اواسط عمر خویش وارد میدان وعظ و خطابه شده بود. اما شیخ/احمد در سنین کودکی به میدان وعظ و خطابه وارد شده؛ خودش می‌گوید ده سال یا کم‌تر سن داشت که وارد عرصه خطابه شد.

احمد وائلی سه بار ازدواج کرد. ثمره ازدواج اول ایشان یک فرزند به اسم سمیر بود ولی این ازدواج به طلاق انجامید. همسر دومش دختر سید محمد سید عیسی طالقانی است و او مادر فرزندان است که وائلی آنان را خیلی دوست داشته و هر لحظه مشتاق دیدن‌شان می‌بود، و فرزندان‌اش عبارت‌اند از استاد محمد حسین وائلی و علی و حسن و شش دختر از همسر دومش نیز دارد که در مورد آن‌ها قصائدی را در دیوان‌اش سروده است. ازدواج سومش از خانواده مرحوم شیخ جعفر عطایی است که خانواده‌ای مؤمن و مکرمه است و دو فرزند از ایشان دارد، و در دیوان‌اش درباره آن‌ها نیز اشعاری سروده است.

این دانشمند توانا و ادیب برجسته در روزگاری زندگی می‌کرد که سرزمین‌اش از استبداد و استعمار رنج می‌برد و گرایش به فرهنگ غربی سکه رایج اوضاع فرهنگی کشور به شمار می‌آمد. از این رو بر آن بود تا با بهره‌گیری از منبرهای حسینی و شعر دینی مردم را به سوی بیداری و پایداری و ارزش‌های دینی رهنمون نماید. وی هیچ‌گاه تسلیم تهدید و ظلم حاکمان ستم‌گر عراق نشد و بارها از سوی آنان زندانی و تبعید گردید. شاعر در سال ۱۴۲۴ ق چشم از جهان فرو بست و از وی آثار فراوانی در حوزه‌های گوناگون برجای مانده است (الطریحی، ۲۰۰۶: ۲۰۳).

سبک شعری

شعر نزد دکتر وائلی به مثابه شمشیری برآن بود، و تا می‌توانست از آن در عرصه‌های مختلف جامعه خود استفاده می‌کرد. برای ایشان هرگز شعر پروازی با بال‌های خیال نبود و ساخت شعری او منزه بود از خیال زدگی و گزافه‌گویی و اذیت‌جویی و بیهوده‌سرایي. در دیدگاه شیخ/احمد واقعه کربلا فقط از جنبه مصیبت و تراژدی نبود، و رسالت پیام‌رسانی برای حق و حقیقت و آزادگی را برای خود و شعر عاشورایی خود ثابت می‌دید.

در شعر اجتماعی نیز در پی تأثیرگذاری بر اجتماع پیرامون خود بود و هرگز خمودگی و بی‌طرفی در شعر او دیده نمی‌شد. وی به وسیله شعر بر بسیاری از جریان‌ات و امور سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و قصائد زیادی در امور سیاسی دارد که مورد پذیرش اجتماع قرار گرفته‌اند و به بخشی از تاریخ سیاسی و فرهنگ سرزمین او بدل شده‌اند.

در شعر سیاسی شیخ/احمد قصیده «خواب‌های کاذب» دیده می‌شود که سراسر نقد سوسیالیست‌ها و شعارهای آنان است. شیخ در اوایل قرن ۲۰ در قصیده با «رودخانه تایمز» به مخالفت با اشغال‌گری و سلطه بیگانگان علی‌الخصوص استعمار پیر پرداخت، و در اواسط همین قرن پر التهاب با قصیده بلند بغداد به نقد دیکتاتوری خونخوار بعث و ظلم و بیداد آن‌ها بر مردم مظلوم عراق نشست. شعرهای دیگر شیخ/احمد وائلی در مورد مقاومت فلسطین اوضاع نابسامان عراق خمودگی اعراب در برابر بیگانگان، و عدم اتحاد مردم کشورش نشان می‌دهد که مواضع شیخ در برابر تمامی جریان‌ات پیرامونی‌اش صریح و بی‌پرده است (ابو سعد: ۱۳۳). ایشان در حوزه‌های علمی و نظری دارای اندیشه‌های رفیعی هستند که اجمالاً به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. شیخ وائلی از پیشگامان وحدت اسلامی بود. وی دیدی علمی به اعتقادات مذاهب داشت و همواره فرق و مذاهب اسلامی را به نگاه علمی و واکاوی عالمانه مسائل مذهبی دعوت می‌نمود. شخصیت علمی ایشان در حدی توانمند بود که مذهب شیعی قطعاً همواره بدان افتخار خواهد کرد، و منابر او یکسره در دفاع از مکتب جعفری بود و از هیچ کوششی در دفع شبهات دینی و مذهبی دریغ نمی‌کرد. شیخ وائلی دشمن سرسخت دشمنان اسلام اعم از مستشرقین و نویسندگان غربی بود و با تسلط علمی آشکاری که داشت بر آنان می‌تاخت، و اطلاعات آنان را در زمینه حقوق بشر و حقوق بانوان و خشونت در اسلام و شرک اسلامی و... را بی‌جواب نمی‌گذاشت و اجازه نمی‌داد هوچی‌گری‌های آنان سبب انحراف افکار مسلمانان شود.

تاریخچه رثای دینی

مرثیه در لغت به معنای گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و نوحه سرایی و تأسف از درگذشت او است، و مرثیه ساختن شعری در رثای کسی است که جهان را بدرود گفته و به دیار باقی شتافته است. در اصطلاح ادبی، رثاء یا مرثیه بر شعری اطلاق می‌شود که در

ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان و ذکر مصایب بزرگان دین و ائمه اطهار(ع)، به ویژه حضرت سید الشهدا(ع) و دیگر شهدای کربلا، و ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت، و دعوت ماتم زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است(محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۹۵). همانطور که عنوان شد، مرثیه‌سرایی یکی از موضوع‌های مهم در ادبیات عربی است. کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که بدان توجه نکرده باشد؛ اگرچه وزن هر شاعر در این موضوع، با توجه به سلیقه و ذوق و شرایط اجتماعی و تاریخی، متفاوت شده است. بی‌گمان در کنار تغزل‌های عاشقانه و عارفانه و پر عاطفه، بی‌آلایش‌ترین نوع شعر، مرثی و منظومه‌هایی با موضوع سوگواری هستند که همچون گوهرهایی گرانبها و ارزشمند در گنجینه ادب نهفته‌اند. چه داعیه سرودن مرثی نه از روی چشم‌داشت مادی و زیاده‌خواهی و خواست جاه و مقام است بلکه از دل سوخته و مصیبت‌زده شاعر و تأثیرات و تألمات روحی سرچشمه می‌گیرد، و همیشه تازگی خود را دارد و چون از دل برمی‌خیزد، لا جرم بر دل نشید. در ادبیات، کم‌تر شاعر و گوینده‌را سراغ داریم که ناخواسته و دل‌شکسته، بدین شیوه طبع خود را نیازموده باشد.

مرثیه بیش‌تر در چهار موضوع، سوگ عزیزان، مرگ مشاهیر، مرثی مذهبی و مرثیه‌های وطنی سروده می‌شود. رثاء نوع اول از نظر ادبی ارزش بیش‌تری دارد؛ چراکه احساسات و عواطف واقعی شاعر در آن دخیل بوده است؛ در حالی که مرثی تشریفاتی، ظاهری و برای به جا آوردن رسومات معمول سروده می‌شوند، و شاعر با تکلف و ظاهرسازی خود را اندوهگین نشان می‌دهد؛ اما مرثی مذهبی از روی ایمان و سوز دل سروده شده است و این مرثی نیز متأثر از شور و سوز دل و ایمان شاعر بوده است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۱۰).

رثاء دینی در صدر اسلام

تاریخ نخستین شعر دینی با روزهای نخستین صدر اسلام به ویژه با پیروزی دعوت اسلامی، شکل گرفته است. شاعران جبهه اسلام، سهم بزرگی در گسترش و دفاع از اندیشه‌های اسلامی بر عهده داشتند.

حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه در شمار مشهورترین شاعرانی به شمار می‌آیند که از آن‌ها می‌توان به عنوان بنیانگذار شعر دینی یاد نمود (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۶۸). رخداد عاشورا در عصر اموی نیز نقش چشمگیری در تحول این شعر داشته است. در روزگار عباسیان و با شکوفایی تمدن اسلامی، شاعرانی همچون ابوالعتاهیه، سید حمیری، دعبل خزاعی، شریف رضی و دیگران نیز در تحول محتوایی و ساختاری این شعر مؤثر بوده‌اند. پیدایش گرایش‌های زهد، تصوف و عرفان در دهه پایانی دوره عباسی و آغاز عصر انحطاط نیز سبب پُر باری این شعر شده است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۹۶).

رثاء دینی در عراق

کشور عراق در دنیای معاصر یکی از سرزمین‌هایی به شمار می‌آید که تحولات داخلی آن، نقش مهمی در شکوفایی و تکامل شعر دینی داشته است. وجود حکومت‌های مستبدی که دست‌نشانده دولت‌های استعمارگر بوده‌اند، در کنار سابقه طولانی این کشور در تاریخ اسلام و جهان تشیع از دلایل پُر باری شعر دینی در این کشور بوده است.

احمد وائلی یکی از بزرگان و شاید پرچمداران شعر دینی در عراق است که هنر شعری‌اش را در خدمت دین و ارزش‌های دینی قرار داده است. بابتی که وائلی با عنوان شعر دینی گشود، نقش برجسته‌ای در آگاهی و تهذیب اخلاق عمومی جامعه داشته است. وی بیش از سی قصیده بلند و مستقل در دیوان‌اش به دین و موضوعات دینی اختصاص داده است. البته این به آن معنی نیست که دیگر قصیده‌هایش از این شعر، خالی است بلکه در ضمن غرض‌های شعری دیگر نیز به چنین موضوعاتی اشاره نموده است. با اینکه همان اغراض شعری کهن، در این شعر نیز وجود دارد، نوع و چگونگی بهره‌برداری از این اغراض، جلوه‌ای ویژه و رویکردی متفاوت به آن می‌بخشد. وصف، مدح، هجاء و رثاء در تاریخ ادبیات عربی، کاربردی ذاتی و ماهوی دارند؛ به این معنی که هر کسی که از این شیوه‌های شعری در همان هدف و عنوان کلی وصفی توصیف، ستایش، سرزنش و مرثیه به کار برده می‌شوند؛ اما در شعر حماسی آیینی عاشورایی، عملکردی ابزاری و آلی می‌یابند و در خدمت اهداف، مضامین و باورهای دینی قرار می‌گیرند. وائلی در اواسط قرن بیستم جایگاه بلندمرتبه‌ای را در خطابه و سخنوری، کسب عمید المنبر

نمود و رهبری منبر حسینی را به دست گرفت و به شایستگی لقب را از آن خود نمود. او در منبر، از اندوخته‌های گوناگون خود به ویژه قدرت ادبی و سرودن شعر بهره گرفت. کرامت‌های روحانی، جامعیت علمی و فضیلت‌های اخلاقی، او را در جایگاه یکی از دوست‌داشتنی‌ترین خطیبان معاصر عراق قرار داد. ایشان دارای سبک مستقلی بود که سبک ویژه، روش و برنامه‌ای بی‌همتا داشت. سخنوران بعد از او در راه وی گام نهادند، و از اسلوب وی بهره می‌بردند و بسیاری از حرکت‌ها و حتی صدای او را تقلید کردند و این دلیل آشکاری بر خردمندی این خطیب چیره‌دست می‌باشد.

شعر شیعی هم مدح دارد و هم مرثیه و هم حماسه ولی بارزترین شاخصه شعر شیعی پرداختن به مسأله امامت و هدایت‌گری خاندان عصمت و احیای یاد و نام و فضایل آن‌ها، و بازگو کردن مظلومیت‌های خاندان رسالت و افشای جنایات ظالمان نسبت به دودمان پاک حضرت رسول (ص) است. از این رو در آینه شعر شیعی و در رواق ادبیات والایی و آیینی، تصویری از پاکی‌ها و فضیلت‌ها و مبارزات حق طلبانه و مظلومیت عترت و جلوه‌های حماسه عاشورا و فرهنگ غدیر دیده می‌شود. رثای معاصر با وجود حفظ بسیاری از شیوه‌های قدیم، از نظر محتوا از روح بدبینی و خمودگی که در قرون گذشته بر رثاء حاکم شده بود فاصله می‌گیرد و به فخر و حماسه تمایل می‌یابد.

از جلوه‌های مهم رثاء در شعر معاصر حسینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- گریه بر اطلال و دمن
- ۲- وصف احوال درونی شاعر
- ۳- توصیف فاجعه کربلا و بیان عظمت آن
- ۴- روح زندگی در رثاء

اشعار دینی *وائلی* مجموعه‌ای از قصاید بلند در مدح رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و رثای ائمه اطهار به ویژه سید الشهدا (ع) است. وی در دیوان شعری‌اش ۳۶ قصیده دینی داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به قصاید زیر اشاره کرد: «فی رحاب الرسول»، «فی محراب العشق»، «الی ابی تراب»، «الزهراء»، «الامام حسن (ع)»، «الامام حسین (ع)»، «رسالة للحسین»، «فاجعة الطف» و «الدم الثائر» اشاره کرد (باقری، ۱۳۹۲: ۲۸). *وائلی* سابقه درخشانی در زمینه خدمت به منبرهای حسینی دارد. او از عنفوان

جوانی این مسیر را انتخاب نموده است. اولین مجلس خطابه وائلی در نجف، کوفه، حیره و فیصله بود و سپس ایراد خطابه را در مناطق مختلف عراق از قبیل بصره، شطره، ناصریه، بغداد، المجر الکبیر، نجف و کربلا، و بعضی از روستاها و شهرهای دیگر عراق ادامه داد. تا اینکه در سال ۱۹۵۱م به کویت دعوت شد تا در مکان حسینیہ خزعلی به مناسبت دهه اول محرم خطابه ایراد کند. او ۹ سال پی‌درپی در آنجا بر منبر، خطبه می‌گفت و بعد از آن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ میلادی به بحرین رفت، سپس به کویت برگشت و تا دهه ۸۰ میلادی آنجا بود، و بعد به لندن رفت و در آنجا درباره عاشورا خطابه ایراد می‌کرد. بعدها به بغداد رفت و مجالسی را در ماه رمضان برگزار می‌کرد، سپس به دسبی رفت و در مسجد امام علی(ع) به تبلیغ ارزش‌های دینی پرداخت. دکتر احمد وائلی در اواسط قرن بیستم جایگاه بلندمرتبه‌ای را به خود اختصاص داد و در خطبه‌گویی و سخنوری منبر حسینی را به دست گرفت، و به شایستگی لقب «عمید» و «رئیس منبر حسینی» را بدون هیچ رقیبی از آن خود کرد و دیگر سخنوران و خطیبان نیز نمی‌توانستند به توان و قدرت او در خطابه و سخنوری و فکر و ادب‌اش برسند. سخنوران بعد از او در راه وی گام نهادند و از پرتو مدرسه وی بهره بردند و بسیاری حرکت‌ها و حتی صدای او را تقلید کردند و این دلیل خردمندی این خطیب چیره دست است. به اعتقاد ایشان شیخ وائلی منبر حسینی باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- قبل از هر چیزی باید برای خدا باشد.
- ۲- منبر باید مرتبط با مصالح عمومی باشد و از تبدیل شدن به چاقویی در دست افراد و گروه‌ها علیه افراد و گروه‌های دیگر پرهیز شود.
- ۳- نباید از منبر به ضرر حقایق و ارزش‌ها، و برای ارضای عوام استفاده شود(منفرد، ۱۳۸۶:۹۳).

رثای پیامبر(ص) در شعر وائلی

مدح پیامبر قدمتی دیرینه دارد. در تاریخ ادبیات عرب کم‌تر شاعری است که در اشعار خود به نوعی از آن حضرت ذکری به میان نیاورده باشد. شاعران در سده‌های مختلف کوشیده‌اند تا شمه‌ای از این شخصیت ممتاز را در اشعار خویش منعکس کنند.

قصیده‌ای که *وائلی* در مدح *نبی اکرم (ص)* سروده از نام پیامبر به عنوان نمادی برای اشاره به آرمان‌های اسلامی استفاده نموده است. وی در این قصیده فروپاشی مجد و شکوه جامعه عرب و مسلمان را به تصویر می‌کشد و در نهایت از پیامبر درخواست می‌کند که مسلمانان را از ظلم و جور نجات دهد.

از جمله بارزترین مسائلی که در مطالعه این بخش از اشعار *وائلی* خودنمایی می‌کند، استفاده اجتماعی و سیاسی او از مدح اهل بیت به ویژه *رسول اکرم (ص)* است، و این بخش هماهنگی کامل با شخصیت خطابی و علمی و روحانی او دارد. گاه در اشعار *وائلی* شاهد اندوه و نگرانی او نسبت به جهل برخی از مسلمانان و درگیری‌های طایفه‌ای و فرقه‌ای در کشورهای اسلامی و عقب ماندگی علمی و فرهنگی امت رسول خدا در واقعیت جهان امروز هستیم (طریحی، ۱۴۱۶: ۵۴).

بَعْدَ الْمَمَاتِ وَلِلْهُدَى مِشْعَالاً
سَيَكُونُ لِلْأَحْرَارِ رَأْسًا شَامِخاً

(الوائلی، ۲۰۰۵: ۲۶۷)

- پس از حسین (ع) آزادگان با سرافرازی جان به مرگ می‌سپارند و مشعل هدایت خواهند شد.

در این بخش به اشعار *شیخ احمد وائلی* در رثای پیامبر گرانقدر اسلام (ص) خواهیم پرداخت.

رثای امام علی (ع) در شعر وائلی

با نگاهی گذرا به ادبیات منظوم عربی درمی‌یابیم که مولای متقیان (ع) از صدر اسلام تا کنون در آن حضوری پُر رنگ داشته است. شاعران همواره کوشیده‌اند تا این شخصیت بی‌بدیل را در اشعار خود منعکس نمایند. دیوان *وائلی* سرشار از توصیفات حضرت *امیر المؤمنین (ع)* و اظهار ارادت و ادب به ساحت مقدس آن حضرت است. بیان فضیلت‌ها و ویژگی‌های امام (ع) بازکاوی و تحلیل تاریخی جریان‌های صدر اسلام، نکوهش دشمنان و کینه‌توزان، فراخوانی شخصیت تاریخی امام (ع) جهت اصلاح امور، و پایداری در برابر استبداد و استعمار، پیوند میان شخصیت جهادی امام (ع)، و ادبیات پایداری در سرزمین‌های اسلامی معرفی امام (ع) به عنوان هم‌دم پیامبر (ص) و هم‌نشین قرآن،

گزینش اعتدال و پرهیز از غلو و اغراق در ترسیم سیمای امام(ع). به طور اجمالی می‌توان گفت *وائلی* در بیان مضامین شعر علوی خویش از این ساختارهای شعری بهره فراوان گرفته است: بیان خطابی- حماسی، عاطفه نیرومند و راستین شاعرانه، تشبیه ضمنی و تشخیص بلاغی، کاربرد تعبیرهای رمزی و عرفانی و همچنین تلمیح به رخدادها (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۹۸).

فخر کعبه

شیخ/احمد *وائلی* در مدح حضرت *علی(ع)* از آغازین روزهای زندگی حضرت استفاده کرده و از تولد حضرت به عنوان فخر خانه خدا نام برده است. ایشان با بیان مضمون تا آنجا پیش رفته که موجودیت و ماهیت کعبه را قائم به این شرف دانسته است.

مولای هل تذكُر الدنيا طُلوعك والـ
سَأَيَّامُ غَارِقَةٌ فِي الْحَلِكِ السُّودِ
وَالْبَيْتِ وَالْكَعْبَةِ الْغَرَاءِ مُثْقَلَةٌ
بِوَاقِعِ لِلْهَوَى وَالْجَهْلِ مَشْدُودِ
حتى افاضَ بِهَا النعمى وَأَكْرَمَهَا
رَبُّ السَّمَاءِ وَأَعْلَاهَا بِمَوْلُودِ

- مولای من! آیا دنیا لحظه شروع تابیدن تو را به یاد می‌آورد، آنگاه که روزگار غرق در گمراهی و سیاهی بود/ و خانه درخشان کعبه در زیر بار هواپرستی و جهالت کمر خم کرده بود/ اینکه پروردگار آسمان‌ها نعمت را بر آن فرو بارید و با مولودی که به آن عطا فرمود مقام‌اش را بلند نمود

مولود کعبه منجی و فخر خانه خدا است زیرا به واسطه تولد میمون و مبارک‌کاش سیاهی و پلیدی را از آن دور ساخته، و بی اغراق صاحب خانه به واسطه او خانه خود را غرق در نور و نعمت گردانیده است.

وائلی در ادامه این شعر این افتخار را دوسویه دانسته و حضرت را مفتخر به این دانسته که تنها مولود کعبه است و چه شرفی از این بالاتر؟ به راستی که حضرت فخر عالم امکان است و یقین محل تولد او مفتخر به این شرف است که اولین قدمگاه چنین موجود نازنینی بوده است. *وائلی* به زیبایی به این نکته اشاره کرده و آن را همچون گردنبندی می‌داند که تا ابد در سینه کعبه خواهد درخشید، و هیچ کجای زمین چنین واقعه‌ای را به خود نخواهد دید.

رثای حضرت زهرا و امام حسن(ع) در شعر وائلی

گرچه سخن گفتن از شخصیت جامع و بی نظیر فرزند پیامبر(ص) بسیار دشوار است اما برای اظهار محبت و عشق به آستان آسمانی‌اش، شاعران و نویسندگان عرب‌زبان آثار خود را با یاد و نام او مزین نموده‌اند. *وائلی* در اشعاری که برای حضرت زهرا سروده است کم‌تر از ابهام لفظی و معنوی استفاده نموده است و این می‌تواند ویژگی بارز شعر فاطمی او باشد؛ زیرا اکثر شاعران و سخنوران به خاطر تحکیم وحدت بین شیعه و سنی، در ذکر مصائب جگرگوشه پیامبر(ص) مسائل رامسکوت گذاشته و با ایهام و کنایه سخن گفته‌اند. *وائلی* به راحتی آنچه در دل داشته به زبان آورده، و چنان صریح است که گویی در متن حوادث زمانه حضور داشته و به جانبداری از حق و حقیقت و طرد باطل موضع می‌گیرد(واسطی، ۱۴۱۴: ۶۵).

در این بخش به اشعار *وائلی* در مدح و رثای حضرت زهرا(س) خواهیم پرداخت.

سرور زنان اهل بهشت

وائلی در مقدمه قصیده «الزهراء» به فضیلت‌های حضرت فاطمه(س) اشاره می‌کند. خانواده حضرت فاطمه از لحاظ کرامت و اصل و نسب از شریف‌ترین خانواده‌ها است. پدرش، سرور پیامبران و مادرش از سروران زنان اهل بهشت است، و همسرش حضرت علی(ع)، سید الاوصیاء بوده و هم‌تا و شبیهی برای این خاندان نیست.

کیفَ یَدْنُو الی حَشای الدَّاءِ	وَبِقَلْبِی الصِّدِیقَةَ الزَّهْرَاءِ
مَنْ ابوها وَبِعَلها وَبَنوها	صَفْوَةٌ ما لَمْ تَلْهَمْ قُرْناءَ
وَکیان بناه احمداً خُلُقاً	وَرَعْتَهُ خدیجَةَ العَرَاءِ
او لَمْ یَعْلَمُوا بِانک حَبّ	المصطفی حینَ تُحَفِظُ الِاباءَ

- چگونه درد می‌تواند به درون من نزدیک شود در حالی که عشق حضرت زهرا(س) در قلب من است/ کسی که پدرش و همسرش و فرزندان‌اش برگزیدگانی‌اند که شبیهی برای آن‌ها نیست/ و هستی کائنات را پیامبر با اخلاق بنا کرد و ساخت و حضرت خدیجه بزرگوار از آن مراقبت کرد/ اگر آن‌ها عشق و دوستی را می‌دانستند پدران آن را نگه می‌داشتند و حفظ می‌کردند

رثای امام حسین(ع) در شعر وائلی

بیشترین سروده‌های شیخ/احمد وائلی در رثای اهل بیت(ع) مربوط به امام حسین(ع) است، و این شاعر بیش از هر کس دیگر برای این امام مظلوم(ع) شعر گفته است. وائلی لفظ شعر را ناتوان از انتقال معنا و مفهوم وجودی امام حسین(ع) دانسته و وی را که در حماسه و شفاعت، بی‌همتا است، برتر از هر لفظی می‌داند. وائلی به خاطر دشواری‌هایی که رهبری‌های نادرست برای مسلمانان رقم زده است به فراخوانی تاریخی شخصیت امام(ع) روی می‌آورد و از ایشان طلب یاری دارد؛ وی با تشبیه امام(ع) به چشم‌هایی که در جان‌ها جوانه می‌زند و بهاری که شمیمی روح‌افزا دارد، وی را در زمانه تسلط تاریکی، همچون فردایی می‌داند که امید است تا طلوع سپیده دم، رهایی را نوید آورد. از امام(ع) تقاضا می‌کند که دوباره بر زمین فرود آید؛ زیرا وی همان است که طلوع را به ارمغان آورده و ستارگان از او نور گرفته‌اند. ستایش از نسب حضرت سرآمد همه مدایح حسینی است، و این امر خدشه‌ای به ارزش این مدایح وارد نمی‌آورد چراکه مدح نسب در این ممدوح از دو جهت به مدح فضایل برمی‌گردد و در حقیقت برترین نوع مدح می‌باشد:

۱. اتصال این نسب به پیامبر(ص) و معدن وحی به آن قداست و معنویت می‌بخشد.
۲. آنچه از شرف، کرامت و حسن در نسب ممدوح ذکر می‌شود تأیید بر این خصال در نفس ممدوح است. در زبان عربی برخی از مورخان، عبیدالله بن حر جعفی را که امام شخصاً به خیمه او رفته و از وی طلب یاری نمود، نخستین زائر و مرثیه سرای امام حسین(ع) معرفی می‌کنند؛ و برخی دیگر سلیمان بن قته را پیشگام نوحه سرایی در سوگ عزیز پیامبر(ص) می‌دانند(باقری، ۱۳۹۲: ۷۸).

ابا الطَّفَّ ما جِئنا لِبنی بلفظنا	لِمَعناک صرحاً انَّ مَعناک امنعُ
متی بَنت الالفاظ صرحاً وإنما الصـ	صُروحُ بِمقدود الجماجم تَرفَعُ
ألا إنَّ بُرداً من جراح لبسته	بنی لَکَ مجدداً من جراحکَ یُصنعُ

(وائلی، ۲۰۰۵: ۹۸)

- ای امام کربلا! ما نیامدیم تا با الفاظ خود از اوصاف زیباییت کاخی بنا نهیم، زیرا این کار از توان ما خارج است/ چه زمانی الفاظ صریح و آشکار ساخته شدند و

مسلماً این صراحت به قدر و اندازه ستون‌ها بالا می‌رود/ مگر نه اینکه عبایی از پوست پوشیده‌ای که بزرگی و ارزشمندی را به تو بالا می‌برد

حادثه طف

گفتیم که بیش‌ترین سروده‌های شیخ/ احمد وائلی در رثای اهل بیت(ع) مربوط به/ امام حسین(ع) است. در این بخش به ابیاتی که این شاعر متعهد در مورد واقعه ۶۱ هجری و آثار ماندگار آن گفته است می‌پردازیم.

وائلی در مورد اثر ماندگار خون حسین(ع)، در تعبیری عرفانی، عطر خون شهیدان کربلا را تا امروز بر شن‌های صحرا قابل استشمام می‌داند، و یادآوری می‌کند همانگونه که زمین به خاطر پیروزی امام، تاج غرور بر سر نهاد، هر دانه شن نیز به خاطر لمس خون شهیدان، تاجی بر سر خود نهاده است:

یا ابا الطفِ یا نجیعاً الی الان
توّج الارض بالفتوحِ فللمل
ارجفوا أنّک القتیل المدّمی
تهدای علی شذاه الرّمول
علی کُلّ حَبّة اکیل
اوّ من ینشی الحیاة قتیل
(وائلی، ۲۰۰۵: ۴۰)

- ای امام حسین(ع)! ای خونی که شنزارها از بوی خوش آن سرمست‌اند/ زمین به واسطه پیروزی‌هایت تاج بر سر نهاده است و بر هر دانه شن به واسطه خون تو تاجی نهاده شده است/ همانا تو کشته شده هستی که من با خواری و تضرع اشک می‌ریزم یا شخص کشته شده به زندگی امیدواری می‌دهد

وائلی همچنین در قصیده «حدیث الجراح» به این نکته اشاره می‌کند که رخداد عاشورا همیشه ماندگار است، و صفحه‌های آن هرگز از بین نمی‌رود و پیامبر(ص) عهده‌دار نگهداری از پاره‌های تن/ امام حسین(ع) است. وی معتقد است که حادثه طف و امام حسین(ع) نه تنها داستان امروز است؛ بلکه داستان فردهای پی‌درپی نیز است و پیامبر(ص) به سبب چنین حماسه‌ای به خود می‌بالد:

یا ابا الطفِ ساحة الطفِ تبقی
فهنّا والنبی یرقبُ شلوا
وعلیها مشاهد لا تزول
مَرّفته قنّاً وداست خیول

یزدهیه بآنه وحسین
وبأن الروح الذي حمل السبط
قصة الامس والغد الموصول
تُراث من النبي اصیل
(وائلی، ۲۰۰۵: ۴۱)

- ای امام حسین(ع)! کربلا ماندگار است در حالی که مناظری در آن است که هرگز فراموش نمی‌شود/ پس اینجا پیامبر از پاره تنی نگهداری می‌کند که نیزه پاره‌پاره‌اش کرد و اسب‌ها از رویش گذشتند/ پیامبر(ص) به اینکه او و حسین(ع) داستان دیروز و فردای موعود هستند، فخر ورزید/ و به اینکه روحی که در فرزندان‌اش نهفته، میراثی اصیل از اوست افتخار کرد

رثاء غیر دینی

در مورد رثای غیر دینی گفتیم که شامل رثای خانواده، رثای دوستان و رثای شهرها و کشورها می‌شود. شیخ احمد وائلی که یکی از مجرب‌ترین و بهترین شاعران سبک رثاء است اکثر مرثیه‌های خود را در زمینه دینی سروده است. اما این گونه شعری را در مورد رثای غیر دینی نیز تجربه نموده و آثار زیبایی را خلق نموده است. در این بخش به اشعار و سروده‌های شیخ/احمد در زمینه رثای غیر دینی خواهیم پرداخت.

رثاء همسر

یکی از موارد رثای غیر دینی و علی‌الخصوص رثای خانواده در شعر شیخ/احمد وائلی مرثیه جانشوزی است که وی در غم از دست دادن شریک و همراه رندگی خود سروده است. در این شعر به خوبی نمایان است که همسر او همدم و یار دیرین اوست و با رحلت‌اش چنان شیخ را در غم تنهایی فرو برده است که تنها اشک می‌تواند به او آرامش دهد.

وائلی نمی‌خواهد به یکباره از کنار این مصیبت بگذرد بلکه در شعرش اشاره می‌کند که می‌خواهد در آرامش، این حزن و اندوه را توسعه داده و آن را مانند طفلی در کنار خود رشد و پرورش دهد:

رَفِيقَةٌ عُمَرِي هَلْ لِحُرَجِي بَلَسْمٌ؟
رَحِيلِكِ اَدْمَاهُ وَمَا انْقَطَعَ الدَّمُ

مَدَدَتْ لَهُ كَفَى فَلَمَّا رَدَدْتَهَا إذا الكفِّ مما يَنْزَفُ الْجُرْحُ عِنْدَمَ
 اِحْوَالُ اسْلُو الْحُزْنَ أَوْ اطْرَدَ الشَّجَى فَيُكَبِّرُ حُزْنِي بِالسُّلُو وَيَعْظِمُ
 واصْحُوا عَلَى سَكَبِ الدُّمُوعِ وَنوحِهَا وللدمعِ ثغرٌ ربما يتكلمُ
 (الوائلي، ۲۰۰۵: ۲۳۴)

- ای رفیق و همراه عمر من! آیا با این جراحاتام می‌توانم از گریه و زاری دست بردارم؟ رفتنات مرا ویران کرد و این زخم مرا شکست داد/ بازوانام را یاری کنید زیرا نمی‌توانم او را بازگردانم، بازوانی که مدام خون تازه از آن جاری است، می‌خواهم غم‌ام را فراموش کنم و این غم گلوگیر را کنار بزنم تا با آرامش آن را رشد دهم و بزرگ نمایم/ با ریختن اشک و نوحه و زاری آرام می‌شوم و فقط زمانی که سخن می‌گویم در بین اشک‌هایم وقفه می‌افتد

وائلی در این شعر از جراحی سخن می‌گوید که توان را از او ربوده و بازوان‌اش را سست کرده. به راستی این همراهی و رفاقت چگونه بوده که وائلی با فقدان یار و یاورش چنین درمانده شده است که حتی رمقی در بازوان خسته و مجروح‌اش نمانده است؟ وائلی در ادامه دلیل این همه غم و اندوه را از دست دادن رفیقی می‌داند که اوصاف بسیار پسندیده‌ای دارد. او مناعت طبع و قناعت را شاخصه همسرش می‌داند. فردی پاک و معصوم با روحی لطیف و مهربان که حتی خودِ غم و اندوه نیز در ملاقات با او از دیدن چهره‌اش متبسم و شاد می‌شوند.

حقیقتاً فقدان چنین شخصی با توصیفاتى که وائلی از او ارائه می‌دهد سنگین و جبران ناشدنی است. وائلی یادآوری می‌کند که خاطرات شیرین‌اش باعث اضطراب و آشفتگی او می‌شود، و احساسی دوگانه به این خاطرات دارد؛ یعنی از طرفی باعث ناراحتی او می‌شوند و از سویی دیگر تمایل به یادآوری این خاطرات خوش دارد.

در ادامه شاعر برای همسرش طلب رحمت و خیر کثیر می‌کند و به این موضوع اطمینان دارد که هم‌جواری با مولای متقیان(ع) سبب قرین رحمت شدن او می‌شود:

رفیقة عُمري أَنسَ اللهُ وَحِشَةً وبل ثرى واراك بالغيثِ يَسْجُمُ
 واعطاك مما عنده من نعيمه فما عنده خيرٌ وأبقى وأرحم
 هنيئاً بمشواك الكريم بتريةٍ بحيث مجيرٍ جاره لا يسلمُ

وجارٌ عليّ بالحَمَى وابو الحَمَى
دَفَنْتَ بهِ أهلى وَرَهْطَى فَكُلْهُم
سَرى يحيى الوافدينَ ويكرمُ
لَدَى تَلَعَاتِ بالغريينَ نَوْم
(وائلى، ۱۴۰۵: ۱۱۱)

همدم عمر من! خداوند انیس و همدم تو باشد و به تو آرامش دهد و باران رحمت‌اش را بر تو بباراند/ و از نعمت‌های خودش به تو عطا کند که آنچه نزد اوست ماندگار و رحمت همیشگی است/ گوارا باد بر تو آرام گرفتن در خاک کریمی که پناهگاه همسایه‌اش است و هرگز نیکی کردن به او را ترک نمی‌کند/ همسایه علی(ع) تحت حمایت اوست و او مانند رودی است که واردشوندگان به آن را حیات می‌بخشد و به آنان محبت و احسان می‌کند/ خانواده‌ام و عشیره‌ام را در آنجا به خاک سپردم؛ که همگی‌شان نزد مکان‌های شریفی هستند و در جوار بزرگان و اشراف آرمیده‌اند

چه توفیقی از این بالاتر که انسان همسایه فرد کریمی باشد که آوازه بخشش و لطف و مهربانی او در عالم پیچیده است؟ وائلی نمی‌تواند شادی خود را از این اتفاق پنهان کند. او همسرش را از دست داده با این حال از اینکه وی را به دست شخص مهربان و شرافتمندی سپرده است خوشحال است و امید دارد که این حسن هم‌جواری سبب آرامش و رفاه ابدی همسرش گردد.

وائلی در شعری با عنوان «الی ام محمد» نامه‌ای حزین و پر از گلایه نوشته که بودن در غربت را به زندان تعبیر نموده است، و از آرزوها و دل‌خوشی‌های یک زندانی سخن می‌گوید.

نتیجه بحث

تاریخچه رثاء بسیار قدیمی است. رثاء دینی به زمان صدر اسلام بازمی‌گردد که برخی از شعرا در مصیبت‌های پیامبر و خاندان او شعر سرودند، و این نوع رثاء را تجربه کردند. شیخ احمد وائلی نیز به عنوان یکی از مشهورترین مرثیه‌سرایان جهان عرب و نگین پر افتخار ادبیات عراق شناخته می‌شود که بیش‌تر محبوبیت خود را به واسطه مرثیه‌سرایی بر خاندان اهل بیت عصمت و طهارت به دست آورده، و تا حد زیادی توانسته است این هنر خاص را ارتقاء ببخشد.

وائلی در شمار شاعرانی است که مدح و رثای سید/الشهداء را با موضوعهای اجتماعی و سیاسی زمان پیوند می‌دهد و از طریق منبرهای حسینی(ع) نقش بسیار مهمی در آشنایی جوانان مسلمان با آموزه‌های حسینی داشت. شعر دینی او که غالباً در چهارچوب شعر حسینی است پر حرارت و تأثیرگذار و متناسب با نیاز منبر و خطابه بود و از لحاظ مردمی و ادبی نیز مقبول همگان بود.

رمز موفقیت وی در خطابه و ادبیات دینی بهره‌گیری از آموزه‌های حماسه حسینی بوده است. اسلوب شیوا و جادوی بیان وی نیز در تأثیرگذاری بر مخاطبان بی‌تأثیر نبوده است. رثاء گونه‌ای شعر است که در مصیبت گفته می‌شود و به واسطه اینکه مصیبت ابعاد گوناگونی دارد این گونه شعری نیز متفاوت و گوناگون است.

مصیبت در یک تقسیم کلی به دو دسته تقسیم می‌شود یعنی یا جنبه الهی و دینی دارد، و یا اینکه مصیبتی منتسب به موضوعات غیر دینی و الهی است. از این رو شعر رثاء نیز به دو دسته رثاء دینی و رثاء غیر دینی تقسیم می‌شود. شعر شیخ وائلی آمیخته با الفاظ و واژگان فخیم و درخشان است. لذا از شاعران حرفه‌ای و باتجربه درجه اول به حساب می‌آید.

شعر حسینی او پر حرارت و تأثیرگذار و متناسب با نیاز منبر و خطابه بود که از لحاظ مردمی و ادبی نیز مقبول و پذیرفته بود، و همینطور اشعار او در مدح و رثاء ائمه(ع). ایشان در مورد تمامی اهل بیت(ع) مرثیه سروده و همانطور که بررسی نمودیم در این زمینه به غیر از معصومین به دیگر افراد خاندان پیامبر(ص) نیز پرداخته است. ایشان در مورد رثای غیر دینی که کم‌تر معمول است نیز دستی بر آتش داشته و شعر رثاء گفته است. در زمینه رثای غیر دینی می‌توان به رثای همسر و فرزندان اشاره نمود. وائلی دو شعر بلند در رثای همسر مهربان و رنج‌کشیده‌اش /م محمد سروده است و در این اشعار نهایت تأثر خود را از دست دادن رفیق عمرش بیان داشته است. در مورد فرزندان اش نیز در چند نوبت اشعاری در فراق و دوری آن‌ها گفته است؛ اما به طور ویژه در مصیبت از دست دادن فرزندش /حمد شعری جانسوز و پر سوز و گداز سروده است که بسیار کم نظیر و در اوج زیبایی و هنر گفته شده است. نایاب‌ترین بخش رثاء نیز همانطور که اشاره شد در زمینه رثای غیر دینی موضوع مرثیه بر شهراست که به سبب

شرایط ویژه‌ای که هم *وائلی* و هم کشور عراق تجربه کرده‌اند. این مورد به یکی از نقاط عطف دیوان *وائلی* بدل شده است. از طرفی *وائلی* بیش تر سال‌های عمر خود را به واسطه جور حکام عراق در تبعید به سر برده است و از سوی دیگر عراق و علی‌الخصوص شهر بغداد به خاطر بی‌لیاقتی نادانی و گاه جنون سیاستمداران آن به ویرانه‌ای بدل شده که فرسنگ‌ها با آن پایتخت رؤیایی علم و ادب و ترقی فاصله داشته است.

از این رو *وائلی* به این شهر و بناهای آن جان داده، و به سان موجودی زنده که به پایان عمر خود رسیده و در حال احتضار است بر بالین آن حاضر شده و به مرثیه سرایی مشغول شده است. به هر حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که شیخ احمد *وائلی* چه در رثای دینی و چه در رثای غیر دینی قله‌های کمال و لطافت را فتح کرده است و این هنر رثاء و مرثیه سرایی را به اوج خود رسانده است تا آنجا که به جواهری بی‌همتا در این زمینه بدل شده و به نوعی این هنر را باید به نام او نوشت به نام او خواند و به نام او شناخت.

کتابنامه

- ابو سعد، احمد. بی تا، ۱۴۰۵ق، *الشعر والشعراء فی العراق*، بیروت: مطبعة المعارف.
- افسری کرمانی، عبدالرضا. ۱۳۷۱ش، *نگرشی به مرثیه سرایی در ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- باقری، ابوالقاسم. ۱۳۹۲ش، *بررسی اشعار حسینی شیخ دکتر احمد وائلی*، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- سلیمانی، کامران. ۱۳۹۱ش، *درآمدی توصیفی - تحلیلی بر شعر دینی احمد وائلی*، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- طریحی، فخرالدین. ۱۴۱۶ق، *مجمع البحرين*، تهران: بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم: دار الحدیث للطباعة والنشر.
- منفرد، سهیلا. ۱۳۸۶ش، *بررسی رویکردهای ادبی دیوان شیخ احمد وائلی*، بی جا: بی تا.
- نجیب، عباس. بی تا، *احمد الوائلی مفکراً، مریباً، خطیباً و شاعراً*، بغداد: مکتب احمد الدباغ.
- واسطی، زبیدی. ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الکفر للطباعة والنشر والتوزیع.
- وائلی، احمد. ۱۴۰۵ق، *الديوان الأول من شعر الشيخ احمد الوائلي*، بیروت: مؤسسه أهل البيت(ع).
- وائلی، احمد. ۲۰۰۵م، *دیوان شعر الدكتور الشیخ احمد الوائلي عمید المنبر الحسینی*، الطبعة الاولى، بیروت: بی تا.

مقالات

- محسنی نیا، ناصر و آرزو پوریزدان پناه. ۱۳۸۸ش، «مرثیه سرایی در ادب فارسی و عربی»، ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸.

Bibliography

- Abu Sa'ad, Ahmad (1405), *Al shaar va als hoara fi Iraq*, Beirut
- Afsari Kermani, Abdolreza (1371), *An Attitude to Monody in Iran* Tehran, Etelaat Pub
- Bagheri, Abolghasem (1392) *Review of poetry by Hosseini Sheikh Dr. Ahmad Waeli* Kermanshah, Razi University
- Soleimani, Kamran (1391), *Descriptive - Analytical Introduction on Religious Poetry* by Ahmad Waeli, Kermanshah, Razi University
- Tarihi, Fakhruddin (1416) *Assembly of Al-Bahrain*
- Horr Amli, Mohammed Ibn Hasan (1409), *Wasael Al Shiite*, Qom, Bait Institute

Mohseniniya, Naser and Pour Yazdan Panah, Monody in Persian and Arabic Literature, Comparative literature, year 2, No.8

Monfared Soheila, (1386). A Study on literary approaches, Sheikh Ahmed Waeli

Najib, Abbas, (no date), Ahmad Al Waerli, Baghdad, Ahmad Al Dabbaq School

Waeli, Ahmed (1405), First Diwan of poetry, beirut, Ahl Al Beit Institute

Vaseti, Zobeidi (1414), Taj Al Aroos min Jawaher al Qamous, Beirut, Dar Al Kofr lil Taba'at va Nash

Elegy in Persian and Arabic Poetries by an Attitude to Ahmed Al-Waeli's Monody from Style and Content Viewpoint

Ahlam Yarali Zadeh

Post Graduate, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University,
Ilam Branch

Rahim Ansari Poor

Assistant Professor, Arabic Language & Literature, Islamic Azad
University, Ilam Branch

Abstract

Monody in Ahmed Al-Waeli's poetry is entirely remarkable and he could achieve the highest levels of style and content in this field. He knew poem is responsible for messaging and advice and believed that a poet should be messenger and leader. He not only expressed the difficulties and challenges in Islamic society, but also invited people to awareness, resistance and fight against colonialism. Shiite's Islamic authenticity and avoiding westernism and disharmony are remarkable characteristic of Al-Waeli's ideas. Applying announcing structures, attention to intellectual and belief issues, current needs and wills of Muslims are other characteristics of his religious poetries. Innovation and invention are clearly observed in his works. Poetry was not an entertainment for Al-Waeli but it was a great responsibility to send message and he liked to be a guide and messenger .

Keywords: monody, committed poet to Ahl Al Beit, Al-Waeli, resistance.